بسم الله الرحمن الرحیم

**سخن برنامه**

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبانٍ، وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدانِ، وَالسَّماء رَفَعَها وَ وَضَعَ الْمِيزَان،أََلّا تَطْغَوْا فِي­الْمِيزَانَ. (خورشید و ماه بر­مبنای حساب] منطق، نظم و برنامه[ روان­اند، و بوته و درخت چهره سایان­اند، و آسمان را برافراشت و ترازو را نهاد ]وضع کرد[، تا مبادا از اندازه درگذرید.)

با اتّکال به خداوند بزرگ، رویکرد نوین نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در پرتو رهنمودهای بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) و به­دنبال آن تحت هدایت­های مقام معظّم رهبری، کوتاه­زمانی بعد از سال­های دفاع مقدس، با هدف استقرار نظام برنامه‌ریزی بلند­مدت و تدوین برنامه‌های توسعۀ پنج ساله از سال 1368 تاکنون، همۀ ارکان و اجزای مجموعۀ نظام را در این فرایند سرنوشت­ساز سهیم کرده است.

از آن پس وزارتخانه‌ها، سازمان­ها، مراکز، دستگاه‌ها و مؤسسات کشور نیز هر یک در چهارچوب چشم­اندازها، مأموریت­ها، اهداف، وظایف، سیاست­های کلی، اهداف عملیاتی، برنامه‌ها و اقدامات خاص، هماهنگی و یکپارچگی خود را با برنامه‌های توسعۀ پنج ساله نظام به منصّۀ بروز و ظهور ‌رسانده­اند.

ممکن است این پرسش پیش آید که «چرا مدیریت جدید پژوهشگاه، برنامه‌ریزی راهبردی را در خط اول اقدامات خود قرار داده است و از ده ماه قبل تاکنون پیوسته و با عزمی راسخ به این مهم همت گماشته است؟»

برخی دلایل این امر به شرح زیر است:

1. رویکرد برنامه مدار و برنامه‌ریزی عالمانه و واقع بینانه، یکی از وظایف ذاتی مدیریت سازمان است؛ نه فضیلت است نه رفع تکلیف و نه زینت.

سازمانی که "برنامه‌ریزی" نکند، "بی‌هدف" است و "بی هدفی" یعنی "جهت نداشتن" و "بی جهتی" "درجا ماندن" است در این صورت همه رمق‌ها و توان­ها، سرمایه‌های انسانی و مادی و معنوی فرد و سازمان می‌خشکد.

1. برنامه‌ریزی به افزایش بهره‌وری می‌انجامد؛یعنی استفادۀ هم افزایانه و بهینه از همه منابع و صرفه جویی در وقت، درست عکس آن چیزی که برخی می‌پندارند که «برنامه‌ریزی یعنی پرداختن به چیزی غیر از تولید و آفرینش و خلاقیت مداوم و نو کردن پیوستۀ زندگی و زمان و اندیشه و کردار و گفتار و پندار»، در حالی که هر یک دقیقه برنامه‌ریزی برابر است با سه یا چهار دقیقه صرفه­جویی در اجرا. این حقیقت را عموم دانشمندان مدیریت تأکید کرده‌اند. از این روی، می‌توان گفت: فصل "برنامه ریزی"، فصل بهار هر سازمان است؛ که بر تمامی فصول دیگر تأثیر می‌گذارد. حضور پر رنگ هر فرد یا گروه در فصل "بهار سازمان" پایۀ تعادل بیشتر سازمان خواهد بود.
2. برنامه‌ریزی راهبردی این پیام را ابلاغ می‌کند که مدیریت سازمان قصد دارد از همه داشته‌ها و سرمایه‌های سازمان و توانایی­ها و امکانات و استعدادها و ظرفیت‌ها و برندها و اعتبارهای آن، برای آفرینش سطحی از سطوح نظام سازمان استفاده کند؛ تنها در این صورت است که هیچ چیز و هیچ کس و هیچ اندیشه و هیچ احساس و عاطفه و هیچ ایده و انگاره و هیچ پندار و کردار و گفتار مندرج در زوایا و سطوح و ترازهای سازمان، مورد غفلت و چشم پوشی و بی­اعتنایی قرار نمی‌گیرد؛ چرا که همه اینها از سوی سازمان در خلال عملکرد گذشته ایجاد شده‌اند و پس از ارزیابی و ارزشیابی باید در تجدید حیات و بنای "مستمر" سازمان به کار روند.
3. برنامه‌ریزی راهبردی با ایجاد "سیستم" و "نظام­مندی سازمان" که بسیار متکاملتر از نظام "سلول"، "نظام عضو"، "نظام فرد" و "نظام گروه" است، به طور همزمان، هدایت آن را نیز در چارچوب مدیریت راهبردی بر عهده می‌گیرد تا "نظام ایجاد شده" در همۀ ابعاد و ویژگی­های سیستمی رشد کند و هر بخش در تعامل و توازن و تناسب و ترابط با بخش و بخش‌های دیگر "اندرکنش" داشته باشد؛ حتی نظام و سیستم سازمانی در مرحله‌ای از مراحل تکامل خود، تحت تحوّل جوهری خود صاحب روح سازمانی و فرهنگ سازمانی می­شود از این لحظه به بعد اجزای پیکر سازمان غمخوار هم می‌شوند. اینجاست که سرودۀ جهانی شیخ اجل سعدی، زبان حال "سازمان" می‌­شود:

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

رسیدن سازمان به چنین جایگاهی، اوج مدیریت راهبردی و شکوه به­ثمر نشستن برنامه‌ریزی راهبردی براساس تفکر نظام‌مند یا سیستمی است.

1. یک سازمان تحت هدایت و مدیریت راهبردی، به دلیل، بالا بودن حس مسئولیت اجتماعی – اخلاقی آن، هیچ بخشی از آن خود را از کلیت سازمان جدا نمی‌بیند. همان­گونه که کلیت سازمان درخصوص همۀ اعضا و اجزا خود نهایت مراقبت و دلسوزی و تقویت و برطرف سازی مشکلات و نقیصه‌ها را از خود نشان می‌دهد. همین نگرش و احساسات را سازمان نسبت به سازمان‌های سیستمیک دیگر دارد. چرا که قوانین عام بر کلیه سطوح سیستمی به طور یکسان، ساری و جاری است.
2. برنامه‌ریزی راهبردی ذات مقوّم سازمان را هدف می‌گیرد و این ذات با کارکرد خاص و منحصر به فرد خود، شاخصه‌های مختّص به سازمان را مشخص می‌کند و آن‌را از سایر سازمان‌ها ممتاز می‌سازد. مدیریت راهبردی براساس برنامه‌ریزی راهبردی، در پی تحقق چنین ترازی از سلسله مراتب نظام مندی و سیستمی است.
3. در برنامه ریزی راهبردی، مدیریت راهبردی براساس نگرش نظام‌مند و سیستمی، به سازمان به عنوان یک کلیت تام و تمام، مراتب اهمیت اجزا سیستم را مطمح نظر قرار می دهد. قلب سیستم، مغز سیستم و سایر اجزا مهم سیستم توامان و همزمان در نظر گرفته می‌شوند و باهم و در ارتباط هوشمند با یکدیگر کار می کنند.
4. مدیریت راهبردی سازمان، در اجرای برنامه راهبردی بر خود فرض می­داند که از دستاوردها و تجربیات موفق سایر سازمان­ها توشه بیندوزد تا از روش بسیار هزینه­بر آزمون و خطا جداً بپرهیزد. سیستم­ها، قوانین عام مشخصی دارند، برنامه ریزی راهبردی، از مبانی و اصول و ماموریت و اهداف و ارزش­ها و راهبردهای کمابیش مشابهی تبعیت می­کنند. بنابراین، دستاوردها و تجربیات سازمان­ها، برای یکدیگر قابل بهره گیری به شمار می­آیند!

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به عنوان تنها نهاد جامع پژوهشی حوزه علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از گذرگاه این برنامه توسعه در صدد پی­جویی چندین آرمان است که عمده­ترین آنها عبارت­اند از:

1- کمک به تحقق اهداف مقدس نظام جمهوری اسلامی؛

2- پاسخگویی به بخشی از نیازهای مبرم جامعه در حوزه علوم انسانی؛

3- تحقق تاکیدات مقام معظّم رهبری(مدظله) مبتنی بر خواستاری تحول در حوزۀ علوم انسانی، بویژه در حوزه­های کاربردی و بومی؛

4- کوشش برای پیگیری محورهای اصلی سمت‌گیری دولت تدبیر و امید درخصوص بهره‌گیری از رویکرد دیپلماسی علم، اعتدال، عقلانیت، پرهیز از افراط‌گری و خشونت، استفاده از دانش و دستاوردهای دانشی جهان؛

5- عملی ساختن سیاست­های نوین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛

6- سمت­گیری کاربردی و بومی گرایی در طرح­های تحقیقاتی، پایان نامه­ها و رساله های دکتری تحصیلات تکمیلی.

پژوهشگاه می­کوشد با اجرای این برنامه:

1. بر پایۀ اسناد بالادستي نظام، رهنمودها و سياست­هاي كلي نظام، مباني، اصول، روش­ها و چهارچوب­هاي برنامه­ريزي حوزۀ بخشی(بخش علم، پژوهش و فناوری آموزش عالي) وسيعاً توجه کند، تا از این طریق بتواند جایگاه پژوهشگاه را در سطح ملی، منطقه ای و جهانی ارتقاء بخشد.

2. ارتقای مجموعه منابع انسانی متعهد و متخصص، روزآمد و کاردان را تحقق بخشد؛

3. امکانات و توانایی­های علمی- پژوهشی- فرهنگی پژوهشگاه را با فعالیتی برنامه­مدار با نیازها، الزامات، ظرفیت­ها و مزایای اجتماعی سازوار و هماهنگ سازد؛

4. تمامی لایه‌های تخصصی، کارشناسی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، مدیریت منابع دانشی- پژوهشی – ساختاری، سرمایه های انباشته فکری و مديريتي دهه‌هاي گذشته پژوهشگاه را در مسیر قوام متكامل شاكله برنامه توسعه بازمعماري کند؛

5. به نياز‌ها، الزامات، ارتباطات متقابل «ستاد و صف» داخل پژوهشگاه و خارج از آن، با اهتمامی همه جانبه بپردازد؛

6. امر برنامه ريزي را در داخل سازمان در پیش گرفتن و سرمشق قراردادن تفکر سیستمی، نگرش همگانی و فراگیر برنامه مداری و حرکت جمعی برنامه­ای تبدیل سازد و آن را به صورت گفتمان عمومي در تمامي سطوح كاركردي درآورد، فعالیت برنامه­مدار و برنامه ريزي را به عنوان يكي از فصل‌هاي اصلي انجام وظايف، پيگيري اهداف، نصب العين قرار دادن ماموريت و دورنگري چشم انداز، تلقي نمايد؛

از مهمترین مزایای این برنامه، درونزا بودن شکل­گیری آن با خرد جمعی و مشورت دائمی و تکوین برنامه بر پایه درک عمومی مشترک و رسیدن به فهم همدلانه دانشمندان، فرهیختگان و تمام منابع انسانی پژوهشگاه است.

در حقیقت برای تدوین این برنامه راهبردی، بدنه پژوهشگاه تلاش اصلی را داشته­اند و تمام سرمایه­های انسانی پژوهشگاه آن را رقم زده­اند. از این حیث برنامه­ای است زمینه­ای که امید است با فضل الهی، به این دلیل ضمانت اجرایی مشخص­تری ­داشته باشد.

یکی از آفت های برخی سازمانها "پایان کار" دانستن تدوین برنامه است، یعنی پس از تدوین برنامه مجدداً دچار روزمرگی شدن و سلیقه ای یا موردی عمل کردن و نظارت را به پایان عمر برنامه موکول کردن و رایج نساختن تفکر سیستمی است. به لطف الهی، منطق و متدولوژی این برنامه، نظارت حین عمل، استمرار درونزایی و حرکت در بستر عقل جمعی و متناسب سازی ساختار با این رویکرد است تا ان شاء الله از آسیب یاد شده اجتناب شود.

در اینجا بر خود فرض می­دانم بعد از حمد خداوند بزرگ، نهایت امتنان و سپاس خود را به محضر تمامی سروران گرانسنگ، بویژه، استاد ارجمند جناب آقای دکتر آئینه­وند، رئیس محترم پژوهشگاه هم به دلیل سوابق درخشان در تعالی علوم انسانی در کشور، هم بابت بذل راهنمایی­های راهگشای ایشان در شکل­گیری فرایند برنامه؛ و دیگر اعضای محترم کمیته تدوین برنامه راهبردی -که اسامی همه بزرگواران در ادامه این گزارش درج شده است- تقدیم نمایم؛ بویژه از سرکار خانم دکتر فاطمه براتلو، دبیر محترم کمیته تدوین که از آغاز کار برنامه تاکنون شبانه روز از هیچگونه کوششی دریغ نداشته­اند و دیگر همکاران و همدلان تدوین برنامه، مشاوران عالی و اعضای کمیته فنی مشورتی تدوین: جناب آقایان دکتر حمید تنکابنی، دکتر سید سجاد علم الهدی، دکتر نعمت الله فاضلی، مهندس فرامرز حق شناس، دکتر فرشید محمدنژاد، دکتر محمد سعید تسلیمی و دكتر محمدامین قانعی راد و رئیسان محترم کارگروه­های تخصصی: جناب آقای دکتر سید­مهدی موسوی کوهپر، معاون محترم اداری، مالی و مدیریت منابع و رئیس کارگروه اداری، مالی و مدیریت منابع؛ سرکار خانم دکتر اشرف بروجردی، معاون محترم فرهنگی اجتماعی و رئیس کارگروه فرهنگی اجتماعی؛ جناب آقای دکتر سیدمصطفی عاصی رئیس محترم کارگروه زبان شناسی و زبان و ادبیات؛ جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا امیری­تهرانی­زاده رئیس محترم کارگروه علوم اجتماعی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی رئیس محترم کارگروه علوم انسانی؛ نمایندگان و مشاوران محترم حوزه ریاست جناب آقای دکتر حبیب­زاده، جناب آقای دکتر سیدمحسن علوی­پور، تمامی نمایندگان محترم پژوهشکده­ها و مراکز در کمیته تدوین، همۀ مدیران پژوهشگاه و رئیسان محترم پژوهشکده­ها و مراکز، که مساعدتی ویژه برای تکمیل برنامه مبذول داشته­اند؛ سرکار خانم دکتر سمیه سادات شفیعی مسئول محترم راه اندازی و اداره دفتر امور هیات علمی، جناب آقایان ناصر زعفرانچی مدیر محترم نشر و ویرایش، دکتر حمیدرضا رادفر سرپرست محترم کتابخانه پژوهشگاه، دکتر حمیدرضا دالوند مدیر محترم نظارت و ارزیابی، آقایی ایوریق مسئول محترم راه اندازی امور آموزش های کاربردی و تخصصی آزاد، دکتر سیدمحمد حسینی بهشتیان مسئول محترم راه­اندازی و تهیه طرح عملیاتی تفصیلی پژوهشکده اخلاق و تربیت؛ دکتر بهمن حسینجانی کارشناس محترم دفتر امور حقوقی، قراردادها و پاسخ­گویی به شکایات؛ دکتر محمود صادقی عضو محترم هیات علمی گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس؛ دکتر محمدحسن ضیایی­فر دبیر محترم کمیسیون حقوق بشر اسلامی؛ که در تدوین برنامه های عملیاتی پژوهشکده­ها و مدیریت­ها نهایت همکاری و همراهی را با کمیته تدوین برنامه داشتند؛ همچنین کارشناسان ارجمند پژوهشگاه: سرکار خانم رقیه گودرزی، فرزانه صادقیان لودریچه، شراره جواهری، جناب آقایان مجید حدادی، مجید الیاسی، بهزاد اصغری اناری، محسن بنی اسدی، حسین نیکبخش، محمد درویش، سید جلیل شاهری لنگرودی و بویژه آقای بهرنگ ذوالفقاری که انصافاً و خالصانه خود را وقف پیشرفت امور اجرایی برنامه کرد و نیز بابت همکاری­ها و مشورت­های ارزنده استادان گران ارج جناب آقایان دکتر سید محمود حسینی و دکتر محمد توکل، سرکار خانم دکتر نورشاهی سپاسگزاری می شود.

تقارن مراحل پایانی تدوین این برنامه با ایام یادمان فداکاری های معرفت آمیز، درس آموز و عشق انگیز سالار شهیدان، پرچمدار اسلام خالص، ایمان و عرفان ناب و بنیانگذار برنامه صالحان و مومنان و رایت افزای حقیقت و مظهر مظلومان و منادی نابودی سلسلۀ پلید ظالمان، شوری مضاعف و انگیزه ای وافر به دست اندرکاران بخشید و چه افتخاری از این بالاتر که همنوا با حافظ، این برنامه به اسوۀ تقوی، رادمردی، فداکاری و حقیقت جویی و معرفت ورزی، حضرت اباعبدالله الحسین(ع) تقدیم شود.

روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد زان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما

**وَ مِنَ اللهِ التَّوفیقُ و عَلَیهِ التِّکلانُ**

**حسینعلی قبادی**

**قائم مقام رئیس پژوهشگاه و**

**معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی و**

**رئیس کمیتۀ تدوین برنامۀ راهبردی پژوهشگاه**

**آذرماه 1393**